



آخرین شماره پاریس

۲۸ مرداد - ۱۹۰۹

در جبهه خاور

اعلامیه دولت شوروی

سکوپ بقره اظهار شکر کرداری شوروی اعلامیه اداره اطلاعات شوروی در نواختن شمال خاوری کتلکو...

جبهه باختر

اعلامیه وزارت هواپیمائی انگلیس

لندن - اعلامیه وزارت هوا - بیانی شماره میدارد شب گذشته...

تخلیه کرانه های هلند از اهالی غیر نظامی

استکهلم - خبرگزاری انگلیس اعلام می دهد طبق اعلامی که از بران بعنوان...

جبهه مصر

قاهره - اعلامیه ستاد ارتش انگلیس در قاهره اعلام می دارد...

جبهه مشرق

اعلامیه راجع بمذاکرات چرچیل و استالین

مسکو - اعلامیه انگلیس و شوروی راجع بمذاکرات چرچیل و استالین...

اعلامیه ستاد ارتش متفقین

استرالیایی اعلامیه ای که روز سه شنبه از طرف ستاد ارتش متفقین در منطقه جنوب باختری اقیانوس آرام...

در جزایر سلیمان

اطلاعات

دنیای ۲۴ ساعت اخیر

قیه از صفحه اول

خبر گزارها و روزنامه ها و رادیو های دنیا در پنج نهار عالم شروع به نشر تقریب...

بردهای جبهه شوروی

جبهه قفقاز - عبور از رود کوبان ناحیه کراسنودار: اخبار دیشب...

ناحیه میترالنی (ودی) - رادیو بیروت اعلام می دارد...

جبهه استالین گراد: امروز رادیوهای لندن و بیروت خاور...

جبهه لنین گراد: رادیو بیروت اعلام می دارد...

جبهه المین - دیروز نیز جبهه المین آرام بوده...

هندوستان - رادیو بیروت امروز بامداد خبر داد...

ماله - دیروز بر فراز جزیره ماله سه هواپیمای محو در آن جزیره...

در خاور دور - در چین حادثه مهمی رخ نداد...

رئیس کمیته خواربار خاور میانه در آنکارا - برقرار اطلاع خبر گزار...

غرق دو کشتی برزیلی - رولودو آفری - خبر گزار...

جبهه باختر - دیروز هم فعالیت هواپیمای...

جبهه باختر - دیروز هم فعالیت هواپیمای...

جبهه های دیگر

مانند یروز و ولتف و ژرف و یوزما بردهای محلی دیروز جریان داشته...

تغییرات فرماندهان انگلیس در خاور میانه - بطوریکه رادیو لندن و بیروت...

آقای هلدن در مقامه کتلکو خود نسبت بازادی جرائد و آزادی حکیم سخن...

سیس راجع بطی که موجب بدبختی های دوره گذشته شده صحبت کرد...

سیس بکشور برمه اعزام گردید و در آنجا پس از زخمهای شدیدی...

رادیو بیروت اعلام می دارد که در اطراف این شهر جنگ خونینی دیروز رخ داده...

رادیو بیروت اعلام می دارد که در این جبهه عقب نشینی جدیدی بر داشته اند...

رادیو بیروت اعلام می دارد که در این جبهه عقب نشینی جدیدی بر داشته اند...

رادیو بیروت اعلام می دارد که در این جبهه عقب نشینی جدیدی بر داشته اند...

رادیو بیروت اعلام می دارد که در این جبهه عقب نشینی جدیدی بر داشته اند...

رادیو بیروت اعلام می دارد که در این جبهه عقب نشینی جدیدی بر داشته اند...

رادیو بیروت اعلام می دارد که در این جبهه عقب نشینی جدیدی بر داشته اند...

رادیو بیروت اعلام می دارد که در این جبهه عقب نشینی جدیدی بر داشته اند...

دیوایان کفر

جلسه دیروز عصر محاکمه متهمین شریانی بر تریب روزهایی پیش تشکیل...

جلسه مقارن ساعت ۸ تعطیل و تا ساعت ۸ صبح تنفس داده شد.

جلسه امروز صبح - بیستین جلسه محاکمه متهمین شریانی در ساعت ۸ و نیم با حضور هیئت حاگه...

آقای هلدن در مقامه کتلکو خود نسبت بازادی جرائد و آزادی حکیم سخن...

سیس راجع بطی که موجب بدبختی های دوره گذشته شده صحبت کرد...

سیس بکشور برمه اعزام گردید و در آنجا پس از زخمهای شدیدی...

رادیو بیروت اعلام می دارد که در اطراف این شهر جنگ خونینی دیروز رخ داده...

رادیو بیروت اعلام می دارد که در این جبهه عقب نشینی جدیدی بر داشته اند...

رادیو بیروت اعلام می دارد که در این جبهه عقب نشینی جدیدی بر داشته اند...

رادیو بیروت اعلام می دارد که در این جبهه عقب نشینی جدیدی بر داشته اند...

رادیو بیروت اعلام می دارد که در این جبهه عقب نشینی جدیدی بر داشته اند...

رادیو بیروت اعلام می دارد که در این جبهه عقب نشینی جدیدی بر داشته اند...

رادیو بیروت اعلام می دارد که در این جبهه عقب نشینی جدیدی بر داشته اند...

جریان محاکمه متهمین شهربانی

جریان مشروح محاکمه متهمین شهربانی بندرچ چاپ میشود. بعد از مذاکرات آقای عبید فی که متن آن در شماره درروز چاپ شد آقای رضا ملکی و آقای محمد باقر حبیبزوی آقای لطفی نفاع کردند سپس رکن الدین مختار شروع بتوضیحات دربرایموان میان ادعای آقای دادستان و وکلای خصوصی نمود و چون متن کامل مذاکرات هنوز از طرف آقایان وکلا نرسیده در شماره امروز توضیحات مختار چاپ میشود و بعداً اگر مذاکرات آقایان رسید چاپ میشود والا بنسبت‌های بعد خواهیم پرداخت.

توضیحات مختار

مختار با کلمات شمرده اظهارات خود را بطریق زیر بیان نمود: بعضی‌ها تصور کردند نسبت باعدا نامه‌هایی که آقای دادستان تنظیم کرده اند بنده خودم باید مدافعتی کنم بعد از آنکه آقای دادستان بیاناتی کردند معلوم شد اضافه بر بیاناتی که در دادنامه تقدیر کرده اند مطالب دیگری هم هست که در دادنامه ثبت نکرده و نسبت به استیفاء این داده اند که لازم میدانم دادستان البته بیاناتی که آقای دادستان کردند بطوریکه من خودم متوجه بودم و هیئت دادگاه متوجه بود و قبلاً مطالب زیاد کرده بودند، نوشته بودند، ملاحظه کردند بودوری طرحی که کرده بودند بیاناتی کردند به چه چیزایم داده شد و انتشار یافت بنده هر چه فکر کردم باین بیاناتی که کردند به پاسی بنگذارم اسمی بیا نکرده زیرا مطالب ربطی با دادنامه نداشت شایل کردم متم ادعا نامه است دیدم نسبت خواستم فریضات و صورت نامه دفتر را بگذارم مناسب نبود. قبری است که در دادنامه دیده میشود به شامشانه و تبلیغ نامه‌هایی است و بطوریکه ملاحظه فرمودید آتسای دادستان باینک حالت عصبانی بیاناتی کرده‌اند بیشتر منظورشان این بود که شاهدان را تحت تعزیرات تحریک کنند قوانی انتظامی را تحت عنوان اینکه من مزایم باسنان‌ها شده‌ام و غفلت‌های آنها را تعقیب نمیکردم بر علیه من و متهمین تهیه کنند.

البته بیاناتشان روشن بود و منظورشان آشکار بود و موجب هیچکند آقای دادستان بیاناتی که دادگاه مرتکب خلاف قانون شدند و روایات مقررات قانونی نکرده‌اند و سمرتیه تلفظ از قانون نمودن یکی مومنی که یکی از متهمین صحبتی کرد و ایشان ضمن صحبت او خواستند استوائی بکنند.

آقای دادستان در بیانات خود مطالبی گفتند که بنده همه را یادداشت کرده‌ام که جواب بگویم. اسمی هم برای بنده نائل شده که «رب النوع مستکاری» اسم میاورم به از معاکه معلوم شود که بنده رب النوع مستکاری و با بطوری که معنیان خصوصی گفتند «جنایت کار کبیر» و «جانی باطله» هم هست باینست.

آقای دادستان گفتند که آقای دادستان گفتند که در این موضوع لازم میدانم بیشتر توضیح بدهم تا فاضی روشن شود زیرا متأسفانه روی این قسمت در مجلس شورای ملی هم مذکور شده مثل اینکه بودیبه شهربانی را آقایان نمایندگان مجلس تصویب نکرده اند و با این که در مجلس دیگری تصویب رسیده است و آنها از اعتبار بی اطلاع بوده اند.

بنده راجع باینکه تصویب شهربانی قبل از تصویب در زمان حصدی خود اطلاعات صحیحی که دارم برض میرسانم آقای دادستان روی فریضات صورتات بسا انتشارات اظهاراتی نسبت باین اعتبار کرده اند.

بقیة من شاید برای کشورموهن باشد بگویم چه مبلغ اعتباری برای امور سیاسی وضعی داشته ایم میاورم همان طوری که تصور میکنم فقط این اعتبار جزئی و ناقص صرف امور سیاسی و مخفی نماند و سازمان جاسوسی دیگری هم بوده و اعتبار سرشاری هم داشته که من از آن بی اطلاع.

کشور های اروپا این سازمان نیست و میلیون ها میلیارد ها هزینه و اعتبار آن نیست و مثل اینکه بگویند یکمده دزد، یکمده جانی، بی شرف، بست در صورتیکه این قبیل اشخاص از سایر مستخدمین دولت معتزترند و پولیکه بانها داده میشود با مقررات سختی که کشور ها برای جاسوس ها دارند قیمت جان آنها ست که هر دقیقه با خطر مواجه میشوند.

ولی متأسفانه آقای دادستان به این موضوع با نظر خرابی بدی نظر کرده اند و تصور کرده اند که چون من سازمان جاسوسی درست کرده‌ام مرتکب مهمترین تعصبات شده‌ام.

با این توضیحات یقین دارم خود آقای دادستان و بعداً صدیق شکند که چه صورتات غلط و چه فریضاتی جایی کرده اند اگر برسد بنده اعتباری که در بودجه کشور در زمان مختار تصویب شده چه مبلغ بوده زمینه بست دستشان آمده و برخلاف واقع اظهاراتی نمیکردند.

بنده پنجاه قبیل از ورود مستشاران سوئی داخل خدمت شهربانی شده و بعد از آنکه سوئی ها شروع بکار کردند در وقت شغل رسمی و با سوئی بیاید کردی اوقت اطلاع پیدا کردی شهربانی دارای چنین اعتباری برای اطلاعات سیاسی و استخدام مأمورین ناشناس هست.

از ابقار در در زمان صدی سوئی ها این اعتبار در بودجه شهربانی بود بعد از سوئی ها سرتیب در کاهی این اعتبار را داشته تا اینکه من معاول شهربانی اعتبار در زمان سوئی ها و در کاهی جقدر اعتبار برای این امر داشته اند بی اطلاع ولی در زمان ریاست شهربانی آرم مبلغ چهار هزار تومان در ماه در بودجه شهربانی منظور شده بود برای استخدام کارآگاهان و بقول آقای دادستان جاسوس و بطوریکه اطلاع پیدا کردم مرحوم دارم هم ماهانه پنج هزار تومان برای تعقیب قاچاق چیان و کشف قاچاق بایرم میداد اگر آن اعتبار را هم بنظور استخدام کارآگاهان بیا ماهانه می شود ۹ هزار مبلغ بطوریکه تمام مأمورین شهربانی اطلاع دارند بنده در زمان ریاست آرم وظیفه اداری خود را هم نمی توانستم انجام دهم و در کار دی خدالت کم زیرا آرم نمی خواست و میل نداشت فقط بخواست رسا معاون داشته باشد و دو سیلیسین و مقررات هم اجازه نیداد با اعتراض کنم. منظور بنده این است که در زمان آرم بکنی از آن صرف این اعتباری اطلاع بودم متصدی انتصاب در شهربانی هست از او هم اگر سوال شود بعد بگویند که من در این کار مداخله نداشتم و نمی دانستم چه پول ها را چه مصرف میکرد و بعد بجهت در این خصوص نمی توانم اطلاعاتی بدهم.

بعد از اینکه بنده بسمت کلمات شهربانی منسوب شدم در این موضوع لازم دیدم دقتی بکنم کار آگاهان را بشناسم که آیا طرف اطمینان هستند یا نیستند.

بنده نمی خواهم در این خصوص زیاد توضیح بدهم فقط اقدر عرض میکنم که با نظر آقایان که ادعای آن کرده بود و تقصیراتی که کرده بود نظر مخالف پیدا کردم. اول کار که کردم این بود که آن چهار هزار تومان را از بودجه حذف کردم یعنی استعفا کردم حذف کردم صورت و امانت داد پنج هزار تومان راضی از آقای دادستان قاضی کردم شهربانی نهدم و اگر برای تعقیب قاچاق چیان نظری دارم بوسامت شهربانی را بخواهند باین نسبت و صحبت کرد و ترتیب دیگری را وضع استفاده خوبی بدهد علی کرد ایشان قبول کردند باین شرط که چند نفر از مأمورین و با یوران معمولی شهربانی نه مأمورین ناشناس را بیانش مرفی کنم تا صحت نظر ایشان دستور ایشان را تعقیب کنند از این قرار باین استعفا می خودم این چهار هزار تومان و پنج هزار تومان از بودجه شهربانی حذف شد البته این کار را موقعی کردم که آرم کاملاً از کار کناره کرده بود بنده هم آرم از آنکه برض رسانیدم و تصویب شد که این اعتبار حذف شود نمی توانستم این موضوع را که مورد توجه دولت است و از زمان سوئی ها سابقه دارد بدون اقدام بگذارم زیرا میدیدم که این اعتبار لازم دارم فقط چون دیدم که این اعتبار بعرض صحیح نرسید از زمان گفتار خود متعنی در این بودجه ها را حذف کنم و بعد مطالعه بکنم که شهربانی برای داشتن چنین سازمانی چه مبلغ باید اعتبار داشته باشد.

در سال ۱۳۱۴ و ۱۳۱۵ و ۱۳۱۶ که آرم نود نصد گفتا.

شهربانی بودم در دوسال آخر بنده دو پنج هزار تومان برای استخدام کار آگاه و احتیاجات و ضروریات و هزینه های آنها تصاحب کردم حالا خود آقای دادستان حساب کنند.

در سالهای گذشته از من ماهی چهار هزار تومان میشود سالی ۴۸ هزار تومان و ماهی پنج هزار تومان هم از وزارت دارائی میشود ۶ هزار تومان جمعاً ۱۰۸ هزار تومان در مقابل این مبلغ بنده ده هزار تومان برای دوسال یعنی سالی پنج هزار تومان و یا ماهی چهارصد و خورده های تومان شرح کردم از این شرح بنده ۲۰۰ تومان شرح شیکتم که ۲۰۰ تومان را برای هزینه های کار آگاهان اختصاص میدادم بلکه میگویم ۱۰۰ تومان با آنکه در دنیا کاهی مخارج کار آگاهان اگر چه یک میلیون هم باشد دولت میداد خلاصه آقای دادستان ملاحظه کنند با ماهی ۳۵۰ تومان اگر سی خواست کار آگاه ماهی صد تومانی استخدام کنم میشد سه نفر صد تومانی و یکی هم ۵۰ تومانی بگویند کشور ما بکنی آگاه صد تومانی احتیاج ندارد و کار آگاه ۱۵ تومانی و ۲۵ تومانی کافی است میشود ۹ نفر ده نفر آن هم برای تمام شامشانه های ایران نه برای تهران بر مرکز.

دو سال باین ترتیب اداره مهم جاسوسی کشور را اداره کردم و در وقت روی کوه طلا شسته و خرچ میکردم اول کسان خود را بسیم کردم بعد رفقای اول بعد بعد رجال و امیان و بازرگانان و اشراف را شریک نمودم زیرا در سازمان جاسوسی باید از هر طبقه و صنفی جاسوس وجود داشته باشد البته با داشتن اعتبار ماهی ۴۰۰ تومان از تمام این اشخاص استفاده کردم.

من برای چنین روزی استخدام کار آگاه را تابع مقرراتی کردم که نگویند ۲۰۰۰ نفر کار آگاه داشته و از آنها رسیده نیگیرتم اگر گفته شود حقوق میدادم رسیده نیگیرتم دروغ است حقوق اورا خودم میخوردم کار آگاهان همه پرونده دارند که هر موقع دولت بخواهد رسیده بکنند حسابش روشن باشد طرز استخدام هوبت، عکس و غیره آنها را در پرونده جمع کردیم حتی برای اینکه معلوم شود کار کرده اند بی باستی گزارش ها را بطرف خودشان بویسند که بعد از پنج سال معلوم شود که سال حقوق بگیرند کار کرده است یا خیر خلاصه بنده ۵۰۰ تومان جاسوسی این کشور را اداره کردم که اگر حساب برای ۱۴۰ شهربانی کشور چند نفر بهر کدام میرسد خود میروند بکار آگاه یک شهربانی میرسد ابروهایش شهربانی دیگر.

سال ۱۳۱۶ تمام شد با توجهی که اعلی حضرت هابون شاهنشاه و نسبت بکشف اطلاعات سیاسی داشتن مثل اینکه در این خصوص نمی توانم اطلاعاتی بدهم در تمام کشور های دنیا زمامداران آنها این توجه را دارند بنده صلاح مقتضی دیدم که بعضی باین اعتبار از افراد خود پس از فکر زیاد خواستم گروه طلا را برتر کنم و خودم در آن رسا قرار گرفتم.

اتر س و لرز ماهی ۱۵۰۰ تومان در سال ۱۳۱۷ در بودجه منظور کردم و از مبلغ را برای کار آگاهی شهربانی های درجه اول و دوم برض رسانیدم که بطور ثابت شهربانیهای مربوطه تقسیم کنم اجازه فرمودند بنده مخصفا بسا بدارت دارائی تعین می نمودم با مرف و وزارت دارائی تعین می نمودم با مرف من کاری نمیکند ابلاغ کردم که در بودجه این ۱۵۰۰ تومان منظور شده است مطابق معمول بود شهربانی بیجلس رفتن از ممول گردید متعجب میگردم که آقایان بی اطلاعند در شهربانی کار آگاه داشته باشند چرا اعتبارش را تصویب می کردند و تعجب آمیز تر آنکه حالا اظهار بی اطلاعی میکنند بنده باین هزار تومان و خودم سازمان مهم جاسوسی که رئیس شهربانی بودم سازمان مهم جاسوسی کشور را اداره کردم و بلای میخوام تکرار کنم که این توضیحات را من برای اشخاصی گذر این کشور شو و نماند که اندیشه کنم زیرا چنین اعتباری برای شهربانی در این مملکت شاهنشاهی ایران در شریکان شرم آوراست و امیدوار همان طوریکه عقیده دارم سازمان مهم دیگری باشد که بنده در این استرا می شناسم تکار آگاهان آنها.

این زندان نسون خانه مرحوم رکن الدین بود آن خانه را اجازه مرحوم و اتفاقاً زیر زمین هم ندارد و هیچ تصرفی هم در آن نکردیم یعنی نمیتوانستیم بکنیم ۶ ماه باشد قبل دستور دادمانه زندان تهیه باشد حتی میز و صندلی بگذارید که زنها یون میز غذا بخورند و الا آن هم هست و این بشدنی بود که اعتبار داشتیم حالا اگر وکلای خصوصی مادام لیلیان با قانع میگردند متعجبم و الا نداشت بسینه چال تا شهربانی رسیده و دست ستکاری قطع شد و زنها خلاص شد این را هم ممکن است آقای دادستان بیرونه باز دیدی کنند و اما راجع بوضع قلی زندانها و مقابله آن با زمان بنده سهل است.

اولا دخل و تصرفی در بنا نشده انا تیه هم صورتی دارد در هر تاریخی که بخواهند آنها را با چند سال قبل

مقایسه کنند ممکن است آن اثباتها را با انا تیه فعلی البته منظورم تلفظاً شهربانی امروز نیست.

با آنکه بنگاه حمایت زندانیان هم هست کنگ هم کرده اند پرونده مقابله کنند ببینند چه شرحی کرده است و منظورم این است که بنده اعتبار دولت را تقریباً تسکیرم و بقهوی که اعتبار داشتیم مصرف میکردم هر چه میتوانستیم و میگویند دروغ است مقابله کنید با زمان سوئی ها حالا درها شیشه دارد سابق روشنائی نداشت الا آن سارقینی که زمان سوئی ها توفیق بوده اند حالا هم هستند از آنها بر سرید.

از جمله مقرراتی که صرف نظر نمیگردد و اجرا میگردم اخیراً بطوری که دادستان میدانند خواهند جزئی را نقلی بزندانی کرده باشند که بظانها هم از وقتاً اجرا بکنند در زندان شروع کردند. متعطلان چون روی مهربانی را دیدند جورتر شدند تا چاهای رسیده که دو ماه در همین زمان با یورها و رئیس زندان قدرت اینکه باشند با ایشان را داخل زندان بگذارند نه نداشتند فحش دادند غارت کردند و از خودشان حکومت تشکیل دادند نظرها را شکسته و هر چه ملاحظت کرده شد گمان میکنم آقای دادستان و زمامداران نظای رفتند و نصیحت کردند نشد تا جور شد از آن زمان را اجرا کنند و طبق یک ماده آن که اگر زندانیان بلوا کردند هر عملی که رئیس شهربانی خواست بکنند هر ساعت که آنها خواب کردند یا سر باز زدند رفتند اقدام انجام کردند و تیراندازی هم شد تیر خوردند و با بنده در بیمارستان دیدم البته حق هم داشتند چنین کاری بکنند زیرا برای حفظ انتظامات آیین نامه را اجرا کرده بودند و در همه جای دنیا اینطور است و بعد هم شنیدم اصلاً وضع زندان بالا بهم خودم است گردیدم که با در آغزی به راه داشت در ها را مسدود کردند شاید روشنائی کتیر شده و زندان منظره فضا کتیر میگردند و مقصر خود زندانیان بوده خواه مختار ستکار باشد خواه یک آدم اخلاقی این کار ما نسبت کار دولت است ما وظیفه خود را باید انجام دهم.

اما درجه وضع زندانها بنده نمیخواهم عرض کنم وضع سابق چقدر مسئولیت داشت بنده طبق مقررات تیکه میچور با طاعت از آن بود نمی توانستم فقط نظر کنم بر حسب وزارت رفرف زندانی در زندان بالا داشتیم و وزارت رفرف در مقابل این سه هزار نفر که سه هزار مأمور نبود تمام مأمورین ما به ۲۰ نفر تیر میسری و آنها هم دالما در خدمت بودند در زندان بالا ۵۰ نفر به سیست و چهار ساعت خدمت میکردند در داخل زندان هم طبق مقررات دنیا مأمورین مسلح هستند و حتی بکیانو و یکسوزن هم نباید داشت باشند وزارت رفرف زندانی را بنده با خودم باید میراث کنم هیچ اتفاقی هم نیفتد بنده اعتراف میکنم که طبق مقررات زندان و بدستور من زندانی ها از غذای خارج محروم بودند و هیچک از قوانین هم نیست که زندانی با بضاعت از منزل لباس و غذا بایش نیاورند.

در همه جای دنیا وقتی که کسی محکوم شد باید لباس زندان پوشد و غذای زندانی بخورد ولی ما چون اعتبار کافی نداشتیم این ارفاق را میگردیم. کاریکه شهربانی درروز و امروز دارد سنگین است اصف نیست بنده تنقید کنم.

بسی بطور کلی راجع زندان توضیحات عرض کردم که آقای دادستان وقت داشته باشند و آنجا هارا ببینند تصدیق خواهند کرد اما زندان نسون که بعضی از وکلا و مدعیان خصوصی اظهار غریب کردند چون یوسته شنیده بودند همین حال میسائل، با کس اعتبار اختیار می کردیم برای زنها زندان درست کنیم اخیراً نقشه های تهیه شده بود که ساختمان شود میچور بودیم خانه هائی کرایه کنیم که هیچ وضعیت زندان نداشت و نبود گفت مختار بیضاوت زندانی درست کند این خانه تا نامتاسبا درست کرده است.

این زندان نسون خانه مرحوم رکن الدین بود آن خانه را اجازه مرحوم و اتفاقاً زیر زمین هم ندارد و هیچ تصرفی هم در آن نکردیم یعنی نمیتوانستیم بکنیم ۶ ماه باشد قبل دستور دادمانه زندان تهیه باشد حتی میز و صندلی بگذارید که زنها یون میز غذا بخورند و الا آن هم هست و این بشدنی بود که اعتبار داشتیم حالا اگر وکلای خصوصی مادام لیلیان با قانع میگردند متعجبم و الا نداشت بسینه چال تا شهربانی رسیده و دست ستکاری قطع شد و زنها خلاص شد این را هم ممکن است آقای دادستان بیرونه باز دیدی کنند و اما راجع بوضع قلی زندانها و مقابله آن با زمان بنده سهل است.

شهربانی درروز که بنده ۷ سال در راس آن بودم بیشتر از ۱۰ هزار نفر در کشور مأمور دارد این هزار نفر مأمور متدی خودسر اقل یا بعدی نفر از آن ها باید تعقیب باشند اگر ارفاق شده چرا و اگر ارفاق نشدند و مقصود این است که مأمورین تنبیه شوند اقل یا بعدی و یا صد نفر راحت تعقیب قرار بدهید بی اینطوریکه می گویند نیست این تنقیدات عادلانه نیست کارشان سنگین و مسئولیشان بیشتر بوده

